

پانیوم — شماره بیست و سه

پس از بستن پیمان، او به نیرنگ عمل خواهد کرد.

Jeff Pippenger

2026-03-20

دانیال یازده کی آیت چوبیس اس مدت کی نشان دہی لفظ «وقت» کے ذریعے کرتی ہے جس میں مشرکانہ روم بالادستانہ طور پر حکومت کرے گا۔ نبوتی اطلاق میں ایک «وقت» ۳۶۰ سال کی نمائندگی کرتا ہے، اور یہ سال قدیم تاریخ کی سب سے مشہور بحری جنگ، یعنی ۳۱ قبل مسیح میں ایکٹیم کی جنگ، سے شروع ہوئے۔ اور بھی بحری جنگیں تھیں جو حجم میں بڑی اور حکمت عملی کے اعتبار سے زیادہ پیچیدہ تھیں، لیکن مارک انتونی اور کلیوپٹرا کے ساتھ اپنے تعلق کے سبب ایکٹیم سب سے نمایاں اور علامتی بحری معرکہ تھا۔ تاریخی اہمیت میں یہ دانیال ۱۱:۴۰ کی تکمیل میں دیوار برلن کے انہدام، اور مکاشفہ اٹھارہ کی تکمیل میں ۹/۱۱ کے جڑواں میناروں کے مانند ہے؛ کیونکہ جب خدا اپنے نبوتی کلام کی تکمیل کے لیے تاریخی واقعات کا انتخاب کرتا ہے، تو وہ ایسا اس انداز سے کرتا ہے کہ ممکنہ طور پر سب سے بڑے حلقہ سامعین کی توجہ حاصل ہو۔

او پس از آن کہ با او پیمان بسته شود، به فریبکاری عمل خواهد کرد؛ زیرا برخواهد آمد و با قومی اندک نیرومند خواهد شد. او به طرز مسالمت آمیز حتی بر حاصل خیزترین نواحی ولایت وارد خواهد شد؛ و کاری را خواهد کرد که نه پدرانش کرده بودند و نه پدران پدران؛ غنیمت و تاراج و ثروت را در میان ایشان تقسیم خواهد کرد؛ آری، تدابیر خود را بر ضد دژها نیز تا مدتی به کار خواهد بست. دانیال 11:23، 24

اوریا ح اسمیت مشاهدات خود را درباره اتحاد میان روم و مکابیان آیہ بیست و سه با اظهار نظر درباره قوم اندک مذکور در آن آیہ به پایان می برد.

«در آن زمان، رومیان قومی کوچک بودند و آغاز کردند به گونه ای فریبکارانه، یا با زیرکی—چنان که این واژه دلالت می کند—عمل کردن. و از این نقطه، با عروجی پیوسته و سریع، به اوج قدرتی که بعدها بدان دست یافتند، رسیدند.»
«[آیہ بیست و چهار نقل قول شد].»

«شیوہ معمولی که ملت ها پیش از روزگار روم به واسطه آن به استان های ارزشمند و سرزمین های غنی دست می یافتند، جنگ و فتح بود. اکنون روم می بایست کاری را انجام دهد که پدران یا پدران پدران نشان انجام نداده بودند؛ یعنی این متصرفات را از راه های مسالمت آمیز دریافت کند. رسمی که پیش از آن هرگز شنیده نشده بود، اکنون بنیان نهاده شد: اینکه پادشاهان، پادشاهی های خود را به موجب وصیت برای رومیان بر جای گذارند. روم بدین سان مالک استان های بزرگی شد.»

«و آنان که بدین سان زیر سلطه روم درآمدند، از آن فایده ای اندک نبردند. با ایشان با مهربانی و مدارا رفتار می شد. این همچون آن بود که صید و غنیمت در میان ایشان تقسیم شود. از دشمنان خویش محفوظ می ماندند و زیر چتر قدرت روم، در صلح و امنیت، آرام می گرفتند.»

«در بخش پایانی این آیہ، اسقف نیوتن این معنا را ارائه می کند که به جای تدارک نیرنگ ها بر ضد دژها، آن ها را از دژها پیش بینی می کند. رومیان این کار را از دژ استوار شهر هفت تپه ای خود انجام دادند. «حتی تا مدتی»؛ بی تردید زمانی نبوی، یعنی ۳۶۰ سال. این سال ها از چه نقطه ای باید محاسبه شوند؟ احتمالاً از واقعه ای که در آیہ بعدی به آن اشاره شده است.» اوریا اسمیت،

اسمیت ادامه می‌دهد و نبرد آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد را نقطه آغاز سیصد و شصت سال تعیین می‌کند. پس از نقل آیه بیست و پنج، اسمیت چنین اظهار می‌دارد.

«در آیات ۲۳ و ۲۴، ما از زمان پیمان میان یهودیان و رومیان، در سال ۱۶۱ پیش از میلاد، به این سوی آورده می‌شویم؛ به دوره‌ای که روم سلطه جهانی را به دست آورده بود. آیه‌ای که اکنون پیش روی ماست، لشکرکشی نیرومندی را بر ضد پادشاه جنوب، یعنی مصر، و وقوع نبردی چشمگیر میان سپاه‌هایی بزرگ و مقتدر، به نظر می‌آورد. آیا رویدادهایی از این دست در تاریخ روم در حدود این زمان به وقوع پیوست؟ — آری، پیوست. این جنگ، جنگ میان مصر و روم بود؛ و آن نبرد، نبرد آکتیوم بود. اکنون بگذارید نگاهی کوتاه به اوضاع و احوالی بیفکنیم که به این رویارویی انجامید.»

«[مارک] آنتونی، اوگوستوس قیصر، و لپیدوس، سه نفره‌ای را تشکیل دادند که سوگند خورده بود انتقام مرگ ژولیوس قیصر را بگیرد. این آنتونی با ازدواج با خواهر اوگوستوس، اکتاویا، برادرزن اوگوستوس شد. آنتونی برای امور دولتی به مصر فرستاده شد، اما قربانی نیرنگ‌ها و افسون‌های کلئوپاترا، ملکه عیاش مصر، گردید. چنان نیرومند بود شهوتی که نسبت به او در دل گرفت که سرانجام جانب منافع مصر را گرفت، برای خشنود ساختن کلئوپاترا همسر خود، اکتاویا، را رد کرد، برای ارضای آزمندی او ایالتی پس از ایالت دیگر به وی بخشید، به جای روم در اسکندریه جشن پیروزی برپا داشت، و از جهات دیگر نیز چنان به مردم روم اهانت روا داشت که اوگوستوس در برانگیختن ایشان به شرکت مشتاقانه در جنگی بر ضد این دشمن میهنشان هیچ دشواری نداشت. این جنگ در ظاهر بر ضد مصر و کلئوپاترا بود؛ اما در واقع بر ضد آنتونی بود که اکنون در رأس امور مصر ایستاده بود. و سبب حقیقی منازعه ایشان، به گفته پرایدو، این بود که هیچ‌یک از آن دو نمی‌توانست تنها به نیمی از امپراتوری روم قانع باشد؛ زیرا چون لپیدوس از تریومویرات برکنار شده بود، کار اکنون میان آن دو قرار داشت، و هر یک چون مصمم بود که همه را در تصرف خود آورد، برای به دست آوردن آن تاس جنگ را افکندند.» Uriah Smith, Daniel and the Revelation, 273

از منظر نبوی، نبرد آکتیوم بیانگر قانون یکشنبه است، زیرا سومین غلبه بر سه مانع جغرافیایی را نمایان ساخت که به گفته اسمیت، «سلطه جهانی» روم مشرک را برقرار کرد. همان‌گونه که در مورد روم مشرک چنین بود، هنگامی که سومین مانع روم پاپی از شهر روم رانده شد، «سلطه جهانی» روم پاپی در سال ۵۳۸ آغاز گردید. آن دو شاهد، قانون یکشنبه را در آنجا و زمانی مورد خطاب قرار می‌دهند که روم جدید بر هر دو پادشاهی ششم و هفتم نبوت کتاب مقدس چیره می‌شود، و با این کار، بر سومین مانع خود نیز فائق می‌آید؛ و بدین سان «سلطه جهانی» را برای چهل و دو ماه نمادین برقرار می‌سازد.

و به او دهانی عطا شد که سخنان بزرگ و کفرها می‌گفت؛ و به او قدرت داده شد که چهل و دو ماه دوام آورد. مکاشفه ۱۳:۵

روم بر ضد مصر

پویایی‌های نبوی جنگ آگوستوس روم بر ضد مصر و کلئوپاترا، به سبب شورش مارک آنتونی برانگیخته شد، و این پویایی‌های نبوی، بنا بر ضرورت نبوی، باید بازنمایاننده همان پویایی‌های نبوی باشند که در قانون یکشنبه به تصویر کشیده شده‌اند.

در آکتیوم، روم مصر را مغلوب ساخت؛ قدرتی که از اتحادی میان مردی یاغی و زنی ناپاک تشکیل شده بود. اتحاد آنتونی و کلئوپاترا همان ترکیب کلیسا و دولت است. در آکتیوم، روم آگوستینوس قدرتی را مغلوب ساخت که با اتحادی ناپاک از کلیسا و دولت نمایان شده بود.

تصویر حیوان

کلئوپاترا نماینده کلیسایی فاسد است که با آنتونی، که نماد روم است، همپیمان شده است. کلئوپاترا حاکم بر رابطه آنان بود، چنان که اورایاه اسمیت این امر را بازنمایی می‌کند، آن‌گاه که اظهار داشت آنتونی «قربانی نیرنگ‌ها و افسون‌های کلئوپاترا، ملکه هرزه‌خوی مصر، شد». اتحاد کلیسا و دولت که به وسیله آنتونی و کلئوپاترا به تصویر کشیده شده است، کلئوپاترا را به عنوان قدرت حاکم در این رابطه معرفی می‌کرد؛ از این رو، ترکیب کلیسا و دولت که در رابطه آنان represented شده است، با تعریف صورت وحش مطابقت دارد—یعنی ترکیب کلیسا و دولت، با زنی که بر این رابطه تسلط دارد. آکتیوم نمونه پیشگویی‌وار قانون یکشنبه قریب الوقوع بود.

آگستوس نمایانگر قدرت پاپی است که در قانون یکشنبه‌ای به زودی آینده، ایالات متحده را مغلوب می‌سازد. مارک آنتونی شاخ جمهوری خواه حیوان زمین است و کلئوپاترا شاخ پروتستان. آنتونی و کلئوپاترا در قانون یکشنبه‌ای به زودی آینده به یکدیگر می‌پیوندند و همچون اژدها سخن می‌گویند. هم کلئوپاترا و هم آنتونی نمادهای قدرتی اژدهاگونه‌اند، و هنگامی که در قانون یکشنبه به طور کامل با یکدیگر متحد می‌شوند، همچون اژدها سخن می‌گویند.

اژدها

یونان و مصر هر دو از نظر نبوی نمایانگر یک قدرت اژدهایی هستند، و آنتونی نیز نماینده یک قدرت اژدهایی بود. مصر در دانیال یازدهم «جنوب» بود و یونان «غرب». مصر پس از آن که پادشاهی اسکندر به چهار بخش تقسیم شد، به دست بطلمیوس اول گرفته شد. سپس بطلمیوس اول نخستین پادشاه نبوی جنوب گردید و کلئوپاترا آخرین فرمانروای بطلمیوسی در مصر بود. بطلمیوس در مقدونیه، زادگاه اسکندر کبیر، به دنیا آمد.

مقدونیه در شمال یونان قرار داشت و مدعی بود که تبار نیاکانی‌اش به قهرمانان اسطوره‌ای یونانی می‌رسد. دولت شهرهای یونانی جنوب، مقدونیان را از هلنیست‌های جنوب یونان بربرمنش‌تر می‌دانستند. مقدونیان دارای نظام پادشاهی بودند، و دولت شهرهای جنوبی (poleis) مانند آتن، اسپارت، تیس، کورینتوس و جز آن، در جنوب و مرکز یونان و جزایر اژه قرار داشتند. این پولیس‌ها غالباً حکومت‌هایی دموکراتیک، الیگارشیک یا مختلط داشتند، در حالی که مقدونیه پادشاهی‌ای متمرکز با دودمان سلطنتی نیرومند (آرگناده‌ها) بود. با این همه، همگی هلنیست بودند، و هنگامی که روم به صحنه تاریخ وارد شد، هلنیست‌ها را یونانی نامید. کلئوپاترا واپسین فرمانروای بطلمیوسی بود که نماینده قبیله پادشاهی یونانیان پادشاهی شمال از ناحیه مقدونیه، یا شمال یونان، به شمار می‌رفت.

پادشاه جنوب

کلئوپاترا واپسین فرمانروای پادشاهی بطلمیوسی بود؛ پادشاهی‌ای که با بطلمیوس اول آغاز شد، زمانی که پادشاهی اسکندر به چهار بخش تقسیم گردید. در نبرد آکتیوم، پادشاهی بطلمیوسی، یعنی پادشاه حقیقی جنوب، به پایان خود رسید. پادشاه بعدی جنوب، مصر روحانی بود که در جریان تاریخ انقلاب فرانسه، به وسیله فرانسه خدانا‌باور نمایان گردید.

و اجساد مرده ایشان در کوی آن شهر عظیم خواهد افتاد؛ شهری که از لحاظ روحانی سدوم و مصر خوانده می‌شود، و نیز خداوند ما در آنجا مصلوب شد. مکاشفه ۱۱:۸.

مصر حقیقی، در ارتباط با تقسیم پادشاهی اسکندر، پادشاه حقیقی جنوب بود؛ اما مصر روحانی، نه از حیث یک جهت جغرافیایی واقعی، بلکه به سبب ویژگی‌های نبوی مصر، به عنوان پادشاه جنوب نمایانده شده است.

جنوب اور مغرب

کلئوپاترا، چون واپسین فرمانروای بطلمیوسی آن پادشاهی بود، از نظر نبوی قوتی دوگانه داشت: یونانی (غرب) و مصر (جنوب)؛ حال آنکه پادشاه بعدی، و سپس پادشاه روحانی جنوب، فرانسه می‌بود، که آن نیز قوتی دوگانه است و در مکاشفه یازده به صورت مصر و سدوم بازنمایی شده است. بی‌بندوباری سدوم با بی‌بندوباری کلئوپاترای غرب هم‌سو است، و کلئوپاترای جنوب با الحاد مصر هم‌سو است. سرشت دوگانه واپسین پادشاه تحت‌اللفظی جنوب با نخستین پادشاه روحانی جنوب انطباق داشت.

نبرد آکتیوم، اتحاد نامقدس ازدهای روم آنتونی با ازدهای جنوب و غرب کلئوپاترا بود. آنتونی و کلئوپاترا نمایانگر یک کلیسا و یک دولت‌اند؛ ازاین‌رو، فتح آکتیوم به‌دست آگوستوس روم، نمایانگر فتحی است که در آن روم بر اتحادی نامقدس و دوگانه غلبه می‌یابد که مظهر صورت وحش است. سیصد و شصت سال بعد، در تحقق دانیال 11:24، کنستانتین روم را به شرق و غرب تقسیم کرد، زن روم را در غرب باقی گذاشت و مرد روم را به شرق منتقل نمود. فتح جنوب و غرب، تقسیم شرق و غرب را پس از یک «زمان» یعنی سیصد و شصت سال، در نبرد آکتیوم، به‌گونه‌ای نمادین پیش‌نمایی کرد. در رویارویی‌ای پیشین، روم شرقی به آنتونی و غرب به آگوستوس داده شده بود؛ بنابراین آکتیوم شرق و غرب را گرد هم آورد، اما تنها برای یک «زمان».

۳۱ پیش از میلاد و ۳۳۰ میلادی

عیسی همواره پایان را با آغاز تصویر می‌کند؛ ازاین‌رو، پیروزی در آکتیوم در سال 31 پیش از میلاد، نمونه تقسیم امپراتوری به شرق و غرب در سال 330 است. آکتیوم 31 پیش از میلاد، آلفای امگا در آن 360 سالی بود که در 330 به پایان رسید. هر دو 31 پیش از میلاد و 330، شریعت یکشنبه قریب‌الوقوع را، چنان‌که در آیات شانزده و چهل‌ویک دانیال یازده بازنموده شده است، نمونه‌وار می‌نمایاند.

ایک اور علامت

آنتونی روم، که با کلئوپاترای جنوب و غرب هم‌پیمان بود، نمایانگر اتحادی سه‌گانه در درون اتحاد دوگانه آنان از صورت وحش است. صلیب نیز با قانون یکشنبه هم‌سو است، و ازاین‌رو با آکتیوم و 330 نیز هم‌راستاست. در صلیب، اتحادی دوگانه از کلیسا و دولت بدین‌گونه به تصویر کشیده شده است که یهودیان (کلیسای فاسد) با روم (دولت) متحد شدند تا مسیح را به قتل برسانند. طرف سوم در این اتحاد، در صلیب، براباس است که مسیحی کاذب را نمایندگی می‌کند؛ نام او به معنای «پسر پدر» است. براباس از لحاظ نمادین، در تقابل با مسیح به‌عنوان نبی راستین، نبی‌ای کاذب است. روم همان آنتونی بود، و کلئوپاترای جنوب و غرب نمایانگر یهودیان و براباس بود.

صلیب همچنین با ایلیا بر کوه کرمل هم‌راستا است، جایی که انتخاب بر سر این بود که نبی راستین کدام است و نبی دروغین کدام. نبی دروغین در آن زمان نمادی دوگانه بود که از انبیای بعل و کاهنان بیشه تشکیل می‌شد. بعل خدایی مذکر است و کاهنان بیشه نمایانگر عشتاروت، خدایی مؤنث، بودند. یهودیان نزد صلیب عشتاروت، آن خدایی مؤنث، بودند و باراباس، بدل مرد غم‌ها، خدای مذکر، بعل، بود.

کلئوپاترا هم ملکه جنوب بود و هم ملکه غرب. آنتونی صورت روم بود، بخشی از حکومت سه گانه ای که سوگند خورده بود انتقام ترور ژولیوس را بگیرد. مرگ ژولیوس بر اثر بیست و سه زخم، نمایانگر زخم مهلک پاپیت در سال 1798 بود، در تحقق آیه چهل دانیال یازده. آگوستینوس در آکتیوم نمایانگر التیام آن زخم مهلک است. آن زخم هنگامی التیام می یابد که آنتونی و کلئوپاترا می میرند. آنتونی و کلئوپاترا نمایانگر صورت وحش در ایالات متحده هستند که یک موجودیت نبوی سه گانه است و از وحش زمین و دو شاخ آن تشکیل می شود. آنتونی یک بخش است و کلئوپاترا نمایانگر دو بخش دیگر است. خواه روم آنتونی باشد، یا مصر و یونان کلئوپاترا، هر دو با هم در قانون یکشنبه می میرند، آنگاه که ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس به پایان می رسد. از لحاظ نبوی، کلئوپاترا در نسبت با آنتونی، آمیزه ای از حيله گری کلیسایی و کشورداری سیاسی است، که در آن حيله گری کلیسایی، کشورداری سیاسی را می فریبد و مهار می کند.

مرگ دوم در نمادها مجسم شده است

در سطحی دیگر از نبوت، رابطه کلئوپاترا با ژولیوس سزار و مارک آنتونی نمایانگر دو زمانی است که دستگاه کلیسایی کلئوپاترا با دستگاه حکومتی امپراتوری روم در رابطه قرار می گیرد. او در سال 1798، در نخستین مرگ نمادین خود، به وسیله ژولیوس ترک شد، در تحقق آیه چهل از دانیال یازده؛ و سپس در آکتیوم، در تحقق آیه چهل و پنج از دانیال یازده، به پایان خود می رسد و هیچ کس برای یاری اش نیست. آیه چهل، آلفای نخستین زخم مهلک اوست که باید شفا یابد، و امگای آیه چهل و پنج جایی است که او دومین و آخرین مرگ خود را دریافت می کند.

همان گونه که چهار قدرت رومی آیات شانزده تا بیست و دو، بر حسب زمینه، بیش از یک معنا دارند، کلئوپاترا نیز به عنوان نمادی کتاب مقدسی بیش از یک معنا دارد. یولیوس در سال ۱۷۹۸، هنگامی که حمایت سلطنتی برداشته شد، او را ترک کرد؛ سپس زخم مهلک او در قانون یکشنبه شفا می یابد؛ اما در نهایت، ده پادشاه مکاشفه هفده او را به آتش هلاک می کنند، آنگاه که او با مرگ دوم و نهایی خود روبه رو می شود.

کلئوپاترا نمادی از سرشت دو گانه ای است که در بی خدایی مصر فرعون و فلسفه دینی یونان نمود یافته است. این سرشت دو گانه، سیاست ورزی مصر و کلیسای سازی یونان را نمایندگی می کند. فلسفه دینی یونانی با الهه یونانی، آتنا، نمایانده می شود؛ همان که تندیسش در معبد او، موسوم به پارتنون، برپا شده بود. آتنا نماد حکمت است، و چون زنی است، نماینده دینی مبتنی بر تعلیم انسانی است، در تقابل با تعلیم الهی.

دو شاخ ایالات متحده «جمهوری خواهی» و «پروتستان تیسم» هستند، که در فرانسه به وسیله مصر و سدوم نمونه وار معرفی شدند. مصر نمود سیاست ورزی دولتی است و سدوم نمود سیاست ورزی کلیسایی؛ از این رو، جمهوری خواهی با مصر و پروتستان تیسم با سدوم مطابقت دارد. جمهوری خواهی مصر است و پروتستان تیسم سدوم و یونان است. نماد آموزش بشری، الهه یونانی آتنا است که معبد او پارتنون بود؛ همان معبدی که همتای مدرن آن در معبد پارتنون نشویل، تنسی یافت می شود. نماد کلیسای فاسدی که در ایالات متحده هنگام قانون یکشنبه با شاخ جمهوری خواه همسو می شود، به صورت کلئوپاترا، عشتاروت، سالومه و سدوم بازنمایی شده است.

کلئوپاترا، الحاد فرعون و مذهب یونانیان را مجسم می سازد. مذهبی که فلسفه الحاد را همراهی می کند، پرستش تعلیم یونانی است. عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می کشد، و آن درخت باغ که خوردن از آن ممنوع بود، درخت معرفت نیک و بد بود؛ درختی که مذهب فلسفه یونانی را تمثیل می کند، همان چیزی که خواهر وایت آن را «تعلیم عالی» می نامد. این امر، مذهب یونانی حکمت کلئوپاترا را به عنوان صورت فاسد و بدلی تعلیم حقیقی، در جدال عظیم میان مسیح و شیطان،

مشخص ساخته و برجسته می‌نماید.

نَشویل، تنسی، «آتن جنوب» خوانده می‌شود، و کلئوپاترا آخرین ملکه واقعی جنوب بود. آخرین ملکه جنوب، نمونه پیشگویانه پادشاه روحانی بعدی و نخستین جنوب بود که در فرانسه بی‌خدا تحقق یافت. فرانسه بی‌خدا نمونه ایالات متحده است، جایی که در نَشویل تنسی، «آتن جنوب»، معبد پارتنون برای الهه آتنا به‌گونه‌ای نمادین بازنمایی شده است. این معبد در West End 2500 در نَشویل واقع شده است. عدد بیست‌وپنج نمایانگر در بسته سه مثل متی بیست‌وپنج است. کلئوپاترا، هم به‌عنوان ملکه «جنوب» و هم «غرب»، در آتن جنوب به «پایان» خود می‌رسد.

با در نظر داشتن این ملاحظات درباره آکتیوم، کلئوپاترا، آگوستوس و آنتونی، به آیه بیست‌وچهار تا آیه سی دانیال یازده باز می‌گردیم. شاید مبهم‌ترین بخش این فراز آنجاست که می‌گوید ایشان بر یک سفره دروغ می‌گویند.

و دل هر دوی این پادشاهان بر شرارت خواهد بود، و بر یک سفره به دروغ سخن خواهند گفت؛ اما کامیاب نخواهد شد، زیرا که هنوز پایان در وقت معین خواهد بود. دانیال ۱۱:۲۷.

وقت مقرر در آیه، ۳۳۰ است، پایان «زمان» آیه بیست‌وچهار. وقت مقرر نمایانگر قانون یکشنبه برای ایالات متحده است و همچنین نمایانگر بسته شدن مهلت آزمون بشر برای جهان نیز هست. پیش از قانون یکشنبه، آن دو پادشاه که دل‌هایشان بر بدی کردن بود، بر سر یک سفره به یکدیگر دروغ خواهند گفت. پیش از قانون یکشنبه در آیات شانزده و چهل‌ویک دانیال یازده، دو پادشاه بر سر یک سفره دروغ خواهند گفت، اما دروغ‌های ایشان کامیاب نمی‌شود. آن دو پادشاهی که به یکدیگر دروغ می‌گویند چه کسانی هستند؟ پیش از آن‌که به این اندیشه پاسخ دهیم، برخی از نمادهایی را که پیش‌تر در این سلسله بدان‌ها پرداخته‌ایم، به یاد می‌آورم.

چهار فرمانروای رومی، بسته به زمینه‌ای که در آن مورد نظر قرار می‌گیرند، نمایانگر گونه‌گونی از نمادهای نبوی هستند. با آنکه ایشان فرمانروایان رومی‌اند، اما در مقام یک نماد، اساساً تاریخ نبوی یهودای باستان را بازنمایی می‌کنند، آنگاه که از سلطه سلوکیان به سلطه رومیان گذر می‌کرد.

پومپئوس یک سردار بود و سه فرمانروای بعدی روم همگی قیصر بودند. ژولیوس در نسبت با آگوستوس، با دو حکومت سه‌گانه، یعنی دو تریوم‌ویرات، دو اتحاد سه‌گانه را نمایندگی می‌کرد: نخستین، غیررسمی؛ دومین، رسمی. هر چهار فرمانروا در برخی زمینه‌ها نمایانگر قانون یکشنبه‌اند. پومپئوس سرزمین جلال را فتح کرد؛ ژولیوس، که با بیست‌وسه زخم خنجر نمایانده می‌شود، فرشته اول است، زیرا او نخستین قیصر است، و او نماد فرشته سوم است، که تیرپریاس بود. تیرپریاس بر صلیب، که همان قانون یکشنبه است، نیز با عدد بیست‌وسه نمایانده می‌شود، زیرا بیست‌وسه نمایانگر کفاره است؛ و صلیب بخش بسیار اساسی کار مسیح در پیوند دادن الوهیت او با انسانیت ماست. پس ژولیوس و تیرپریاس، پیام اول و سوم‌اند که با بیست‌وسه نمایانده شده‌اند.

یولیوس آن شخصیت رمانتیکی نبود که غالباً در افسانه‌های هالیوودی از او ترسیم می‌کنند؛ او مردی بی‌رحم و شیفته قدرت بود. تیرپریاس از یولیوس بدتر بود، زیرا پلیدی او حتی در آیه نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ چرا که آخرین حرف الفبای عبری بیست‌ودو و نخستین حرف یک است. آلفا از امگا کوچک‌تر است و پلیدی تیرپریاس در آیه بیست‌ودو جای دارد، که همان آخرین حرف الفبای عبری است، و در میان آن دو شخص خبیث که به‌وسیله یولیوس و تیرپریاس نمایانده شده‌اند، آگوستوس قرار داشت. آگوستوس نمایانگر اوج جلال قدرت و اعتبار روم است. او به‌عنوان نقطه مقابل پیام اول و سوم، با حرف سیزدهم نمایانده شده است، که نماد عصیان است. آگوستوس پادشاهی خود را با فرونشاندن شورش آنتونی و کلئوپاترا، مشهورترین شورش تاریخ روم، استوار ساخت.

آگوستوس همان قدرت روم است که سومین مانع را مغلوب ساخت، و بدین‌سان نمایندهٔ قانون یکشنبه بود؛ و نیز همان قدرت رومی است که در طی چهل و دو ماه نمادین فصل سیزدهم مکاشفه، یعنی فصل عصیان، سلطنت می‌کند. هنگامی که پومپه پیش از قانون یکشنبه قرار داده شود، او هم ۱۷۹۸ است و هم ۱۹۸۹؛ و بدین‌گونه پومپه نماد آنتیوخوس بزرگ می‌گردد که چهارمین جنگ سوری را از ۲۱۹ تا ۲۱۷ پیش از میلاد پایان داد، در تحقق آیهٔ دهم از فصل یازدهم. سپس ژولیوس سزار با آیات یازدهم و دوازدهم و نبرد مرزی، یعنی نبرد رافیا در ۲۱۷ پیش از میلاد، همسو می‌شود. در آنجا ژولیوس نیز آنتیوخوس بزرگ است، و آگوستوس سزار نیز در نبرد پانیوم آیهٔ پانزدهم آنتیوخوس بزرگ است. سپس در آیهٔ شانزدهم، تیرریاس همان قانون یکشنبه است، اما او آنتیوخوس بزرگ نیست، زیرا در آنجا او پومپه است؛ زیرا عیسی همواره پایان را با آغاز تصویر می‌کند. این آیه پایان امپراتوری سلوکی را نشان می‌دهد که نمونه‌ای از پایان ایالات متحده به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس است.

هم‌ترازی‌های بیشتری باید در مورد چهار فرمانروای روم انجام شود، و آن خط نمایانگر تاریخ پنهان آیهٔ چهل است. خط مکابی آیهٔ بیست‌وسه نیز تاریخ پنهان آیهٔ چهل را به تصویر می‌کشد. سپس در آیهٔ بیست‌وچهار، داستان روم امپراتوری مشرک به‌وسیلهٔ یک زمان—سیصد و شصت سال—نمایانده می‌شود. خط تاریخ روم که از آیهٔ بیست‌وچهار تا آیهٔ سی نمایانده شده است، همچنین تصویری از تاریخ پنهان آیهٔ چهل است. این خط در آیهٔ سی‌ویک پایان می‌پذیرد، آنگاه که موضوع از روم مشرک به روم پاپی تغییر می‌کند. روم مشرک هنوز در آن آیه حضور دارد، اما در آنجا نه به‌عنوان پادشاهی چهارم نبوت کتاب مقدس، بلکه به‌عنوان قدرت سیاسی‌ای نمایانده شده است که در سال ۵۳۸ پایتخت را بر تخت نشاند. در سال ۵۳۸ پایتخت قانونی دربارهٔ یکشنبه وضع کرد؛ از این‌رو آیهٔ سی‌ویک با آیات شانزده و چهل‌ویک هم‌تراز می‌شود. آیهٔ بیست‌وچهار نبرد آکتیوم و تاریخی را که با آن خط مرتبط است، معرفی کرد.

آیهٔ بیست‌وچهارم مشخص می‌کند که چه زمانی روم بت‌پرست برای سیصد و شصت سال به‌طور برتر به فرمانروایی آغاز کرد، و سپس در آیهٔ سی‌ویکم روم پاپی برای هزار و دویست و شصت سال به‌طور برتر به فرمانروایی آغاز می‌کند. آغاز و انجام این خط، مهر مسیح را بر خود دارد، الفا و امگا. در این آیات، تاریخ مارک آنتونی، کلئوپاترا و آگوستوس سزار را در اختیار داریم. در آیهٔ شانزدهم، روم بت‌پرست در سال 65 پیش از میلاد بر امپراتوری سلوکی چیره شد، و سپس در سال 63 پیش از میلاد بر یهودا. سومین مانع، یعنی آکتیوم در سال 31 پیش از میلاد، پایان پادشاهی مصر را مشخص ساخت، چنان‌که موانع نخستین سلوکیان در سال 65 پیش از میلاد بدان نمونه‌وار اشاره داشتند. بار دیگر، مهر اول و آخر را می‌یابیم. سال 65 پیش از میلاد نخستین سه مانع بود و نمایانگر مغلوب شدن پادشاه شمال بود، و سال 31 پیش از میلاد سومین سه مانع بود و نمایانگر مغلوب شدن پادشاه جنوب. یهودا، به‌عنوان مانع میانی این سه مانع، هنگامی که پومپه در سال 63 پیش از میلاد رسید، در درون دیوارهای اورشلیم گرفتار جنگی داخلی بود. مانع دوم نماد عصیان است.

در سال ۵۳۸، سومین مانع روم پاپی از شهر روم بیرون رانده شد. آن مانع، گوت‌ها بودند، و در همان‌جا پنجمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس آغاز شد؛ درست در همان نقطه‌ای که پادشاهی چهارم پایان یافت. و همان‌گونه که پادشاهی چهارم در سومین مانع خود آغاز شد، پادشاهی مصر شکست خورد، چنان‌که در نخستین مانع پادشاهی سلوکی پیش‌نمون شده بود. این امر نشان می‌دهد که شهادت نبوی موجود در آیات بیست‌وچهار تا سی، نمایانگر خطی است که همچنین باید در تاریخ پنهان آیهٔ چهل جای‌گذاری شود. از این‌رو، ضروری است روابط گوناگون نبوی‌ای را که به‌وسیلهٔ مارک آنتونی، کلئوپاترا، ژولیوس سزار، پومپی و آگوستوس سزار نمایان شده‌اند، مورد توجه قرار دهیم.

پس آیا مبهم‌ترین بخش این گذر آیات بیست و چهار تا سی، آنجاست که ایشان بر یک سفره دروغ می‌گویند؟

و دل هر دوی این پادشاهان بر شرارت خواهد بود، و بر یک سفره دروغ خواهند گفت؛ اما کامیاب نخواهد شد، زیرا که پایان هنوز در وقت معین خواهد بود. دانیال ۱۱:۲۷.

اوریا اسمیت این دو پادشاه را مارک آنتونی و آگوستوس سزار معرفی می‌کند.

«آیه بیست و هفتم نقل شده»

aur Caesar pehle ittihad mein the. Lekin dosti ke libas ke neeche dono sari duniya 276" par hukumat ke liye tamanna rakhte aur saazishen karte the. Ek dusre ke liye apni tazim aur dosti ke jo izharat woh karte the, woh munafiqon ki baton thin. Woh ek hi mez par jhut bolte the. Octavia, jo Antony ki biwi aur Caesar ki bahin thi, ne us waqt jab Antony ne use talaq di, Rom ke logon se bayan kiya ki us ne us se shadi karne par sirf is ummid se razamandi di thi ki yeh Caesar aur Antony ke darmiyan ittihad ki zamanat sabit hogi. Lekin woh mashwarah kamiyaab na hua. Tuh phut waqi hui; aur jo takrao us ke natije mein paida hua, us mein Caesar puri tarah ghali ayi." Uriah Smith, Daniel and the Revelation, 276"

کله چې اوکټاویه وپېژندله چې له انطوني سره د هغې واده د یووالي د ژمنې په توګه و، نو دې هغه ازدواجي ائتلاف وپېژنده چې مخکې په یوولسم فصل کې د هیلنیستي دورې د برینیس له سیلوکي پاچا انتیوخوس دویم تیوس سره د شاوخوا 252 ق.م. واده په وسیله تمثیل شوی و. برینیس د بطليموس دویم فیلادفوس لور وه. اوکټاویه او برینیس د ډیپلوماتیکو ودونو استازیتوب کوي، یا په نبوي توګه، د تیرونونو. له پنځم آیت څخه تر لسم آیت پورې د جنوبي او شمالي سلطنتونو ترمنځ د ډیپلوماتیک واده تاریخ څرګند شوی، او کله چې مارک انطوني او اوکټاویان، چې وروسته د اګستوس قیصر په نوم وپېژندل شو، دا واده تنظیم کړ، هغوی سلطنت هم په خټیځ او لويديځ ووېشه.

پیمان برونډیزيوم (40 ق.م.) توافقی بود که از راه مذاکره میان مارک آنتونی و اکتاویان (که بعدها آگوستوس نام گرفت) برای رفع تنش‌ها در دومین تریومویرات، پس از نزدیک شدن اوضاع به جنگ داخلی، حاصل شد. این پیمان شامل تقسیم سرزمین‌های روم بود (آنتونی در شرق، اکتاویان در غرب) و با ازدواج آنتونی با اکتاویای خواهر اکتاویان مهر تأیید یافت. در 39 ق.م. دوره اصلی پنج‌ساله تریومویرات به پایان رسید؛ آنتونی با بیش از 300 کشتی به سوی ایتالیا حرکت کرد، اما در آغاز از پیاده شدن آنان در برونډیزيوم جلوگیری شد، از این رو سرانجام در تارنتوم پهلو گرفتند. اکتاویان پس از میانجی‌گری‌های طولانی، که از بی‌میلی سپاه آنتونی به جنگیدن با سپاه اکتاویان و برعکس پدید آمده بود، در آنجا با او دیدار کرد. اکتاویا نقشی کلیدی در میانجی‌گری ایفا کرد و آنتونی را متقاعد ساخت که از اکتاویان در برابر سکستوس پومپی پشتیبانی کند. آنان تریومویرات را برای پنج سال دیگر (تا 32 ق.م.) تجدید کردند؛ آنتونی در ازای سپاهیانی که وعده داده شده بود 120 کشتی در اختیار اکتاویان گذاشت (سپاهیانی که اکتاویان بعدها از اعزام آنها خودداری کرد).

در سال ۳۲ پیش از میلاد، گسستی آشکار میان آن دو رقیب پدید آمد. روابط بر اثر تبلیغات، تمرکز آنتونی بر شرق (همراه با کلئوپاترا)، و تثبیت قدرت اکتاویان در غرب رو به وخامت نهاده بود. اکتاویان پیش از اکتیوم، پیشنهادهای بعدی آنتونی برای برگزاری کنفرانس را رد کرد.

در ازدواج دیپلماتیک با پادشاه شمال (آنتیوخوس) و پادشاه جنوب (بطلمیوس)، این پادشاه جنوب بود که عروس را فراهم کرد؛ اما در ازدواج دیپلماتیک آنتونی (شرق) و اکتاویان (غرب)، عروس از سوی غرب فراهم شد. هر دو ازدواج دیپلماتیک شکست خوردند، و تأمین‌کننده دختر یا خواهر، سرانجام بر قدرتی که پیمان را شکست، پیروز گردید.

شهادت سه تن

در پایان امپراتوری سلوکی، سومین پیمان برقرار شد که در آن، در یک مجلس، دروغ‌ها بر زبان آورده شد. این امر در بستر جنگ پنجم سوریه (۲۰۲-۱۹۵ ق.م.) رخ داد، هنگامی که آنتیوخوس سوم مگنوس از ضعف پادشاهی بطلمیوسی پس از مرگ بطلمیوس چهارم فیلوباتور در سال ۲۰۴ ق.م. بهره‌برداری کرد. بطلمیوس پنجم اپیفانس (بطلمیوس پنجم) در کودکی (در حدود ۵ تا ۶ سالگی) به تخت نشست و مصر را تحت سرپرستی نایبان و در معرض آشوب داخلی، شورش‌های بومی، و تهدیدهای خارجی باقی گذاشت.

آنتیوخوس بزرگ پیش‌تر، پس از پیروزی‌هایی چون نبرد پانیوم (۲۰۰ ق.م.)، به بخش بزرگی از سرزمین‌های بطلمیوسی در کله‌سوریه، فلسطین و آسیای صغیر پورش برده و آنها را تصرف کرده بود. او به‌جای آنکه مصر را به‌طور کامل فتح کند - که خطر مداخله روم را در پی داشت، زیرا روم بر او فشار می‌آورد که از برخی نواحی دوری جوید - در مقام شخصیتی «حامی»، اتحاد زناشویی دیپلماتیکی را دنبال کرد. در ۱۹۷/۱۹۵ ق.م. به‌عنوان بخشی از پیمان صلحی که به جنگ پایان داد، آنتیوخوس بزرگ دختر خردسال خود، کلئوپاترا یکم سیرا (که کلئوپاترا سیرا نیز خوانده می‌شود)، را به نامزدی بطلمیوس پنجم کودک درآورد و سپس به ازدواج او درآورد (این ازدواج در ۱۹۳ ق.م در رافیا انجام شد؛ بطلمیوس ۱۶ ساله بود و کلئوپاترا ۱۰ ساله).

این اقدام به‌صورت حرکتی سخاوتمندانه مطرح شد: آنتیوخوس خود را به‌عنوان متحد و «حامی» پادشاه جوان معرفی کرد، در حالی که صلح را تضمین می‌نمود و دستاوردهای خود را در آسیا حفظ می‌کرد. این ازدواج به او از طریق دخترش نفوذی غیرمستقیم بر مصر می‌بخشید (او امید داشت که وی به ریشه‌های سلوکی خود وفادار بماند و در دربار بطلمیوسی صدایی طرفدار سوریه باشد). اما این حيله نتیجه‌ای معکوس داد، زیرا کلئوپاترا به‌جای پدرش، جانب شوهر خود و مصر را گرفت و بدین‌سان تسلط درازمدت آنتیوخوس را تضعیف کرد. این امر بازتاب‌دهنده پیمان برون‌دیزيوم (40 BC) بود و از چند جهت با رویدادهای رومی ارتباط داشت.

همان‌گونه که آنتونی برای پیوند دادن قدرت‌های رقیب پس از نزدیک شدن به جنگ، با اکتاویا (خواهر اکتاویان) ازدواج کرد، آنتیوخوس نیز از ازدواج دخترش با بطلمیوس پنجم بهره گرفت تا صلحی موقت و تقسیم سرزمینی را رسمیت بخشد (سلوکیان فتوحات شمال را حفظ کردند و بطلمیوس مصر جنوب را نگه داشت).

انطیوخس بر کودک-شاه، بطلمیوس پنجم، عملاً نقش سرپرست را ایفا کرد (از طریق پیوندهای خانوادگی)، همان‌گونه که اکتاویان (و هیئت سه‌نفره حاکم) در میان خلأهای قدرت یا رقابت‌ها برای خویش جایگاهی پدید آوردند. در هر دو مورد، شخصیت «نیرومندتر» (انطیوخس/اکتاویان) کوشید از طریق خویشاوندی بر طرف آسیب‌پذیرتر اهرم نفوذ به دست آورد. هر دو ترتیبات، ثباتی کوتاه‌مدت پدید آوردند، اما در درازمدت «کامیاب نشدند»، زیرا بی‌اعتمادی نهفته در بنیاد آنها وجود داشت—کلئوپاترا جانب مصر را گرفت (و بدین‌سان انطیوخس را تضعیف کرد)، در حالی که تمرکز شرقی آنتونی (کلئوپاترای هفتم) به فروپاشی رابطه‌اش با اکتاویان انجامید.

بطلمیوس الخامس، إذ كان قاصراً تحت وصاية أوصياء، يوازي حالة الاضطراب التي أعقبت موت يوليوس قيصر، مما أفضى إلى تكون الحكم الثلاثي وصراعات السلطة. وقد مثل زواج برنيكي من أنطيوخس بداية تاريخ الإمبراطورية السلوقية في دانيال الأصحاح الحادي عشر، كما أن زواج ابنة أنطيوخس الكبير من الملك الطفل المصري مثل نهاية الإمبراطورية السلوقية. وإن انتهاء زواج مرقس أنطونيوس من أوكتافيا كان علامة على نهاية المملكة البطلمية. وأما نهاية يهوذا بوصفها شعب عهد الله، فقد وقعت عند الصليب، وكانت تلك المملكة اليهودية قد بدأت مع المكابيين والحلف الذي عقده مع روما. وجميع هذه الخطوط النبوية ممثلة في إطار سرد دانيال الأصحاح الحادي عشر، وهي جميعاً تتوافق مع التاريخ الخفي للآية الأربعين. فابتداءً من الآية الخامسة نجد معاهدة برنيكي، التي تقود إلى أنطيوخس الكبير ومعاهدة ابنته كليوباترا السورية، وذلك يقع في تاريخ المكابيين المذكور في الآية الثالثة والعشرين. وقد صار المكابيون جزءاً من هذا الخط بسبب تمردهم على أنطيوخس أبيفانيس، أحد آخر ملوك السلالة السلوقية.

દરમિયાન યુદ્ધ સરિયન ૬૬૬ માં. 168 પૂ.સ.ઈ જે, હતો અંતયિખુસ જ એ એપફ્રાનેસ અંતયિખુસ અને હતું કર્યું આક્રમણ પર મસિર એપફ્રાનેસે અંતયિખુસ. હતો નજીક અલેક્ઝાન્ડ્રિયા મસિરમાં. કરી અપીલ રોમને માટે મદદ શાસકોએ ટોલેમીક. હતો આરે જમાવવા કબજો પર અલેક્ઝાન્ડ્રિયા તરફથી સેનેટ—વનિા સૈન્ય કોઈ, સાથે સમૂહ સહયોગી નાનકડા માત્ર—લૈનાસને પોપલિલિયસ રોમએ જવું હતી પાછું સાયપ્રસમાંથી અને મસિર જ તરત અંતયિખુસે; મોકલ્યો પહોંચાડવા ચેતવણી અંતમિ પોતાના અને કર્યો પ્રાપ્ત પત્ર અંતયિખુસે જ્યારે. પડશે કરવો સામનો યુદ્ધનો સાથે રોમ તેને નહીતર અને કઠોર વર્ણન જેનું—પોપલિલિયસે ત્યારે, માંગ્યો સમય કરવા પરામર્શ સાથે સલાહકારો આસપાસ પગોની રાજાના અને લીધી લાકડી પોતાની—છે આવે કરવામાં તરીકે સ્વભાવના આદેશાત્મક તે મૂકો પગ બહાર વસ્તુની આ તમે: "કરી જાહેરાત તેણે ત્યારબાદ. દીધું દોરી વસ્તુ એક રેતીમાં. "આપો મને ઉત્તર તમારો એવો કરું રજૂ સમક્ષ સેનેટ, પહેલાં

مفهوم آن روشن بود؛ آنتیوخوس نمی‌توانست بی‌آنکه به خواسته‌های روم تن در دهد، از آن دایره بیرون رود—عبور از آن، بدون توافق، به معنای جنگ بود. آنتیوخوس که مبهوت و خوار شده بود، اندکی درنگ کرد، اما سپس پذیرفت که اطاعت کند، نیروهای خود را از مصر بیرون کشید، و به سوریه بازگشت. این اقدام جسورانه دیپلماتیک (که اعتبار روزافزون روم از حیث قدرت، پشتوانه آن بود) بی‌آنکه نبردی درگیرد، او را به عقب‌نشینی واداشت و برتری در حال ظهور روم را در شرق دریای مدیترانه به نمایش گذاشت. از این رو، این واقعه را به‌طور گسترده از منشأهای تعبیر «خطی در شن کشیدن» دانسته‌اند (هرچند در واقع، آنچه کشیده شد دایره بود).

انطيوخس أبيفانيس أيضاً أصبح، في الفهم البروتستانتي، تلك القوة التي ترفع نفسها، وتسقط، وتُقيم الرؤيا في الآية الرابعة عشرة من دانيال الحادي عشر.

و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخاوند خاست؛ و نیز عصیانگران قوم تو سر برخاوند افراشت تا رؤیا را برپا دارند؛ اما ایشان سقوط خواهند کرد. دانیال ۱۱:۱۴.

آنتیوخوس چهارم اپیفانیس در سال‌های ۱۷۵ تا ۱۶۴ پیش از میلاد سلطنت کرد و هشتمین سیزده پادشاه سلوکی بود. او در پی آن بود که فرهنگ هلنیستی را تحمیل کند و امپراتوری خود را تحت آیین‌های دینی یونانی یکپارچه سازد. وی در سال ۱۶۹ پیش از میلاد معبد را غارت کرد، اعمال یهودی را (از جمله ختنه، نگاه‌داشت سبت، و مطالعه تورات) ممنوع ساخت، و قربانی‌کردن برای خدایان بت‌پرستانه را تحمیل نمود. در دسامبر ۱۶۷ پیش از میلاد، او قربانگاهی بت‌پرستانه (برای ژئوس) را بر فراز مذبح یهودی قربانی‌های سوختنی در معبد برپا کرد و خوکی را قربانی نمود، همراه با دیگر اعمال کفرآمیز. این بی‌حرمتی، برای یهودیان پاییند، آخرین قطره بود، زیرا آن را نهایت نقض قداس معبد و شریعت

خدا می‌دیدند. این امر مقاومت فوری را برانگیخت، هنگامی که متتیا س (کاهنی از مودعین) از فرمان یکی از مأموران سلوکی برای قربانی کردن به خدایان بت پرستانه سر باز زد و یک یهودی مرتد و آن مأمور را کشت، سپس همراه پسرانش (مکابیان آینده) به کوهستان گریخت. این واقعه جنگ‌های چریکی و شورشی را در سال‌های ۱۶۷ تا ۱۶۰ پیش از میلاد برافروخت که هدف آن بازگرداندن عبادت یهودی بود، و در نهایت به تجدید تقدیس معبد (حنوکا) در سال ۱۶۴ پیش از میلاد، تحت رهبری یهودا مکابی، انجامید.

در آغاز و پایان امپراتوری سلوکی، معاهده‌ای مهم وجود داشت که با ازدواجی دیپلماتیک نمایانده می‌شد و دربردارنده عنصر تقسیم، خواه میان شرق و غرب، خواه میان شمال و جنوب، بود. هنگامی که امپراتوری سلوکی رو به افول نهاد، آنتیوخوس اپیفانیس به نماد قدرت رو به صعود روم بدل می‌شود و کانون خشم مکابیان قرار می‌گیرد. بعدها در تاریخ، او بدل به جعل آن نماد نبوی می‌شود که رؤیا را استوار می‌سازد. قدرت مذکور در آیه بیست و دوی فصل یازدهم زمانی شکسته می‌شود که رئیس عهد شکسته شد.

و با بازوان سیلاب از پیش او فرو گرفته خواهند شد و شکسته خواهند گشت؛ آری، همچنین رئیس عهد. دانیال ۱۱:۲۲

د انتیوخوس اپیفانیس واکمنی په ۱۶۴ ق.م. کې پای ته ورسېده، نږدې دوه سوه کاله د مسیح څخه مخکې، چې «د عهد شهزاده» په صلیب کې «مات» شو. هغه څه چې مور یې دلته یادول غواړو دا دي چې د سلوکی امپراتورۍ پیل او پای دواړه د یوې دیپلوماتیکې تیروني ودونو سره وشول، چې د دواړو خواوو ترمنځ فریب د تاریخي ریکارډ یوه ثابته موضوع ده. د انتیوخوس اپیفانیس د واکمنۍ پر مهال د مکابیانو پاڅون پیل شو، چې د امریکا د انقلاب نمونه یې وړاندې کوله. د مکابیانو په تاریخ کې د سلوکی ځواک د غورځولو لپاره د هغوی مبارزه له روم سره یو مهم تیرون هم په بر کې درلود. هغه آیت چې دا تیرون په مستقیم ډول مشخصوي، روم هم په دې توګه مشخصوي چې په مکاری عمل کوي، یا د تیرون پر مېز دروغ وايي.

و پس از پیمانی که با او بسته شود، به مکر رفتار خواهد کرد؛ زیرا برخواهد آمد و با قومی اندک نیرومند خواهد شد. دانیال ۱۱:۲۳

هر خط نبوتی که پیش از زمان آخر در آیه چهل می‌آید، دربردارنده عهدی شکسته است. اوریا اسمیت در توضیح عبارت «آنان که عهد مقدس را ترک می‌کنند» در آیه سی، چنین ثبت می‌کند:

«خشم بر ضد عهد؛ یعنی بر کتب مقدس، کتاب عهد. انقلابی از این گونه در روم به انجام رسید. هرولیان، گوت‌ها و وندال‌ها که روم را فتح کردند، آیین آریانی را پذیرفتند و دشمنان کلیسای کاتولیک شدند. به‌ویژه به‌منظور ریشه‌کن ساختن این بدعت بود که یوستینیان فرمان داد پاپ رئیس کلیسا و اصلاح‌کننده بدعت‌گذاران باشد. دیری نگذشت که کتاب مقدس چونان کتابی خطرناک تلقی شد که مردم عادی نباید آن را بخوانند، بلکه همه مسائل مورد نزاع باید به پاپ ارجاع می‌گردید. بدین‌سان اهانت بر کلام خدا افزوده شد. و امپراتوران روم، که بخش شرقی آن هنوز برجا بود، با کلیسای روم، که عهد را ترک گفته و ارتداد عظیم را پدید آورده بود، ارتباط داشتند یا با آن تباری می‌کردند تا «بدعت» را سرکوب کنند. آن مرد گناه، به‌واسطه شکست گوت‌های آریانی که در آن زمان روم را در تصرف داشتند، در سال ۵۳۸ میلادی بر تخت متکبرانه خود برافراشته شد.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، 281.

آیه پنجم از دانیال یازده، خط تاریخ را مشخص می‌سازد که در آن پادشاه جنوب عروسی دیپلماتیک را به‌عنوان نماد معاهده‌ای فراهم می‌آورد که پس از آن به‌وسیله پادشاه شمال شکسته شد. تلافی پادشاه جنوب، تلافی پادشاه روحانی جنوب ناپلئون را بر ضد پادشاه پاپی شمال در سال 1798

به صورت نمادین مجسم ساخت. معاهده شکسته شده آیات پنج تا نه، معاهده شکسته شده تولنتینو به وسیله ناپلئون را به صورت نمادین مجسم ساخت، که آن نیز ادعای پوتین درباره معاهده‌ای شکسته شده از سوی ناتو را به صورت نمادین مجسم می‌ساخت. تلافی ناپلئون، تلافی پوتین را بر ضد او کراین در سال 2014 به صورت نمادین مجسم ساخت. تلافی آیه دهم از سوی آنتیوخوس ماگنوس که به جنگ چهارم سوریه پایان داد، با ناپلئون در 1798 و نیز با پوتین در 2014 هم‌سو است. پس از نبرد پانیوم در آیه پانزدهم در سال 200 پیش از میلاد، آنتیوخوس ازدواجی دیپلماتیک ترتیب داد با قصد پنهان آنکه مصر را بدون به کارگیری نیروهای نظامی مستقر بر زمین تحت فرمان خود درآورد. تخت آنتیوخوس ماگنوس به پسرش منتقل شد، که ترور گردید و این امر کوچک‌ترین پسر آنتیوخوس ماگنوس، یعنی آنتیوخوس اپیفانس، را به تخت رسانید. اقدامات او در اجرای رسوم و دین یونانی، شورش مکابیان را پدید آورد، که به معاهده فریبکارانه با روم در آیه بیست و سه انجامید. آیه بیست و چهار روم بت‌پرست را معرفی می‌کند و سفره دروغ‌های آنتونی و آگوستوس را مشخص می‌سازد. در آیه سی، روم بت‌پرست وارد گفت‌وگو با کلیسای پاپی می‌شود، که از ایشان به عنوان کسانی یاد شده است که عهد مقدس را شکسته بودند.

آیات بیست و چهار تا سی گواهی روم بت‌پرست است و آیات سی و یک تا چهل گواهی روم پاپی را ارائه می‌کند. هر سطر از دانیال یازده، از آیه یک تا آیه چهل، نمایانگر خطی از نبوت است که در تاریخ پنهان آیه چهل به کار برده می‌شود. خط پادشاهی سلوکی، خط پادشاهی بطلمیوسی، خط پادشاهی یهودیه از مکابیان، خط روم بت‌پرست و خط روم پاپی، همگی تاریخ ۱۹۸۹ تا قانون یک‌شنبه را به تصویر می‌کشند. هر یک از این خطوط، پیمانی شکسته شده را به عنوان عنصری اساسی از این تاریخ مشخص می‌سازد.

این روم است که رؤیای دانیال یازده را برقرار می‌سازد، و معاهدات نیرنگ‌آمیز نبوتی هر دو روم بت‌پرست و روم پاپی به عنوان اموری تدریجی و نیز به عنوان وقایعی که پیش از آن که روم در دوره‌های نبوتی مربوط و متمایز خود به طور کامل حاکم گردد رخ داده‌اند، مشخص شده‌اند. هر دو قدرت، آغاز دوره نبوتی سیادت را هنگامی تعیین کردند که سومین مانع ایشان برطرف شد. پیش از قانون یک‌شنبه‌ای که به زودی در ایالات متحده خواهد آمد، معاهده‌ای از نیرنگ میان دو قدرت برقرار خواهد شد. چهار بار این دو قدرت پادشاهان جنوب و شمال بوده‌اند: یک بار میان سرزمین جلال یهودا و روم، یک بار میان دو بخش از تریوم‌ویرات روم، و یک بار میان روم بت‌پرست و روم پاپی. در هر دو معاهده فریبکارانه مربوط به روم، در واقع این امر به معاهده‌ای میان یک نیمه از امپراتوری روم با نیمه دیگر آن باز می‌گشت؛ خواه آنتونی شرق، آگوستوس غرب، یا روم بت‌پرست شرق و روم پاپی غرب. چهار معاهده نیرنگ میان پادشاهان شمال و جنوب، دو معاهده میان پادشاهان شرق و غرب، و یک معاهده میان آن‌که به زودی پادشاه شمال خواهد شد و سرزمین جلال.

این ارائه آغازین ما از کتاب دانیال را به پایان می‌رساند. مجموعه پانیوم بیانگر پایان مجموعه مربوط به کتاب دانیال است؛ مجموعه‌ای که مقدمه‌ای بر تاریخ پنهان آیه چهل به شمار می‌آید، تاریخی که در مقاله بعدی همچنان به بررسی آن ادامه خواهیم داد.